

Explaining the relationship between economic Security of society and capital productivity (Disciplinary strategies to opposite economic insecurity)

Received: 2022/02/06

Accepted: 2022/05/22

Article type: Research Article

PP: 1-44

DOI:

[10.22034/osra.2022.1267172.1492](https://doi.org/10.22034/osra.2022.1267172.1492)

Hasan kalaki

PhD student in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad

Mohsen Noghani Dokht Bahmani

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author)

Mohammad Mazlum Khorasani

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Background and Aim: Economic security is one of the main components of the authority of the political system, for which security institutions, especially law enforcement, play a key role. The purpose of this study is to identify the components of economic security that affect the productivity of capital. The formation and repetition of economic crisis and insecurity (inflation, recession or stagflation) in Iranian society in recent decades is a reflection of a kind of structural insecurity in macroeconomics that requires explanation, explanation and scientific sociological economics in this field.

Method: The research method is a bit of time period (1368-1399). The sample population is the statistical data of the economic security of the society and the capital productivity of the automobile industry, an example of the main components of the national economy that are produced every year through reputable statistical centers. The method of data analysis has been scientifically researched using one-way analysis of variance and linear regression, multiple relationships of independent and dependent variables.

Results: Fluctuations in capital productivity in the statistical sample under study, and its downward trend over the last three decades indicate a structural economic insecurity (unhealthy economy). Results of Analytical Findings on the Impact of Economic Security, Government Size (10%), Legal Structure and Property Rights Security (45%), Access to Healthy Liquidity (60%), Foreign Trade Freedom (49%), and Financial Regulation, Labor market and trade (33%) and economic security in total of 78%) have affected the productivity of economic capital in the study industry.

Conclusion: When the economy of a society suffers from financial and economic crisis in conditions of structural economic insecurity, it is necessary to ensure economic security by the responsible institutions, especially the disciplinary command. Therefore, in the text of the article, disciplinary strategies to deal with economic insecurity are mentioned which explain and prescribe the ground for controlling crises in social and economic structures.

Keywords: Structural Crisis, Economic Insecurity, Disciplinary opposition, Economic Security, Capital Productivity.

Citation (APA): kalaki, Hasan; Noghani Dokht Bahmani, Mohsen; Mazlum Khorasani, Mohammad. (2021). Explaining the relationship between economic security of society and capital productivity (Disciplinary strategies to opposite economic insecurity). *Quarterly of Order & Security Guards*, 15(57), 1-44. Doi: [10.22034/osra.2022.1267172.1492](https://doi.org/10.22034/osra.2022.1267172.1492).



Quarterly of Order & Security Guards is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

Based on a work at <http://osra.jrl.police.ir>.

تبیین رابطه امنیت اقتصادی جامعه با بهره‌وری سرمایه (راه کارهای انتظامی مقابله با ناامنی اقتصادی)

چکیده

زمینه و هدف: امنیت اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتدار نظام سیاسی است که برای تأمین آن، نهادهای امنیتی به‌ویژه نیروی انتظامی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. هدف پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی مؤثر در بهره‌وری سرمایه است. شکل‌گیری و تکرار روند بحران و ناامنی اقتصادی (تورم، رکود یا رکود تورمی) در جامعه ایران طی دهه‌های اخیر، بازتابی از نوعی ناامنی ساختاری در اقتصاد کلان بوده که تبیین و تجویز علمی جامعه‌شناختی اقتصادی را در این زمینه می‌طلبد.

روش: روش پژوهش، کمی از نوع مقطع زمانی (۱۳۶۸-۱۳۹۹) است. جامعه نمونه عبارت است از داده‌های آماری امنیت اقتصادی جامعه و بهره‌وری سرمایه صنعت خودرو که نمونه‌ای از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد ملی است و هر ساله از طریق مراکز آماری معتبر تولید می‌شود. روش تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه و رگرسیون خطی، روابط چندگانه متغیرهای مستقل و وابسته، مورد کنکاش علمی قرار گرفته است.

یافته‌ها: نوسانات بهره‌وری سرمایه در نمونه آماری مورد مطالعه و روند نزولی آن طی سه دهه اخیر حاکی از یک ناامنی اقتصادی از نوع ساختاری (اقتصاد ناسالم) است. نتایج یافته‌های تحلیلی درباره تأثیر مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، حجم و اندازه دولت (۱۰ درصد)، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (۴۵ درصد)، دسترسی به نقدینگی سالم (۶۰ درصد)، آزادی تجارت خارجی (۴۹ درصد) و تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت (۳۳ درصد) و در مجموع امنیت اقتصادی به میزان ۷۸ درصد بر بهره‌وری سرمایه اقتصادی در صنعت مورد مطالعه مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری: زمانی که اقتصاد جامعه در شرایط ناامنی اقتصادی ساختاری دچار بحران مالی و اقتصادی می‌شود، تأمین امنیت اقتصادی از سوی نهادهای متولی، به‌ویژه فرماندهی انتظامی ضرورت می‌یابد. از این رو، در متن مقاله راه کارهای انتظامی مقابله با ناامنی اقتصادی که زمینه را برای کنترل بحران‌های ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تبیین و تجویز می‌کند، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: بحران ساختاری، ناامنی اقتصادی، مقابله انتظامی، تأمین امنیت اقتصادی، بهره‌وری سرمایه.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۴۴-۱

شناسه دیجیتال (doi): .

[10.22034/osra.2022.1267172.1492](https://doi.org/10.22034/osra.2022.1267172.1492)

حسن کلاکی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی
اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی
مشهد، پست الکترونیک:

h.kalak2014@chmail.ir

محسن نوغانی دخت بهمنی

دانشیار جامعه‌شناسی گروه علوم
اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
(نویسنده مسئول)، پست الکترونیک:

noghani@um.ac.ir

محمد مظلوم خراسانی

استاد جامعه‌شناسی گروه علوم
اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد،
پست الکترونیک:

mmkhorasani@um.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله
دوره دکتری دانشگاه فردوسی
مشهد می‌باشد.

استناد (APA): کلاکی، حسن؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ مظلوم خراسانی، محمد.

(۱۴۰۰). تبیین رابطه امنیت اقتصادی جامعه با بهره‌وری سرمایه (راه کارهای انتظامی

مقابله با ناامنی اقتصادی). پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۵(۵۷)، ۴۴-۱.

Doi: 10.22034/osra.2022.1267172.1492

امنیت اقتصادی نخستین بار در طول بحران بزرگ اقتصادی (۱۹۳۳-۱۹۲۲) مورد استفاده قرار گرفت (ایانیگلو و پولاجوا^۱، ۲۰۱۶: ۸-۱). برخی از نظریه‌پردازان حوزه امنیت، نظیر رابرت ماندل، مفهوم امنیت اقتصادی را با امنیت اجتماعی، یکسان فرض کرده‌اند. این مفهوم تا حدود زیادی شیوه‌های معیشتی زندگی مردم و ارتقای آن را مدنظر قرار داد.

«امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالا و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» (ماندل^۲، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۱۰۷).

باری بوزان، از چهره‌های برجسته مکتب کپنهاگ^۳ و از نظریه‌پردازان رویکرد واقع‌گرایی اجتماعی، معتقد است که امنیت اقتصادی^۴ یکی از پنج مؤلفه اصلی امنیت است (بوزان^۵، ۱۹۹۷: ۱۲۲). از نظر بوزان، امنیت اقتصادی عبارت است از: «دسترسی به منابع، ضرورت بازارهای مالی و سرمایه برای حفظ سطوح قابل‌قبولی از رفاه و قدرت دولت» (بوزان، ویور و ویلد^۶، ۱۹۹۸: ۸).

ایجاد ناامنی اقتصادی یا بحران مالی - اقتصادی^۷ به وضعیتی از اقتصاد جامعه اشاره دارد که حوزه‌های اقتصادی، با یکی از سه شکل اقتصادی تورم، رکود یا رکود تورمی مواجه می‌شود. این وضعیت از اشکال ناامنی اقتصادی، روند رشد بهره‌وری اقتصادی صنایع و بازار را کند می‌کند.

تورم عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابه‌سامانی و ناهنجاری اقتصادی در جامعه منجر می‌شود. رکود اقتصادی در چارچوب چرخه اقتصادی، دوره‌ای

۱- Ianioglo, & Polajeva

۲- Robert Mundell

۳- Copenhagen School

۴- Economic security

۵- Buzan, Barry

۶- Buzan, & Waever, Wilde

۷- بروز هرگونه عدم تعادل وسیع در بازارهای اقتصادی در سطح داخل و خارج کشور که متأثر از عوامل درون‌زا و برون‌زای بازار باشد، بحران مالی - اقتصادی نامیده می‌شود (حسن‌زاده و کیانوند، ۱۳۸۹: ۸۵).

را گویند که اقتصاد حالت انقباضی به خود گرفته و کوچک می‌شود. رشد اقتصادی در این دوره منفی و مدت آن معمولاً براساس دو دوره سه ماهه پی‌درپی تعریف می‌شود (رنجبر، ۱۳۹۰: ۲۵). رکود تورمی یا ایستایی تورمی به وجود همزمان تورم و رکود اقتصادی گفته می‌شود. رکود در تعریف اقتصادی به دوره‌ای گفته می‌شود که کاهش معنادار در چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت ایجاد شود. این دوره معمولاً حداقل بین شش ماه تا یکسال است. به این ترتیب رکود به معنای کاهش‌دهنده بودن رشد تولید ناخالص داخلی واقعی است (حسن‌زاده و کیانوند، ۱۳۸۹: ۸۵).

اقتصاددانان بازار آزاد معتقدند که ثبات اقتصادی، مشوق سرمایه‌گذاری است و اینها به نوبه خود رشد اقتصادی را تقویت می‌کنند. تعریف آنان از ثبات اقتصادی، تورم خیلی کم (و در وضع مطلوب، تورم صفر درصد) است. تورم از منظر آنان و براساس پیشنهاد استنلی فیشر، استاد سابق دانشگاه ام‌آی‌تی و معاون اول مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول، بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، رقمی بین ۱ تا ۳ درصد است. این رقم بعدها بین ۰٫۵ تا ۴ درصد تغییر کرد (چنگ، ۱۳۹۳: ۹۵).

مکاتب مختلف در تعریف امنیت اقتصادی، بعضاً متناقض هستند. به این دلیل که گفتمان امنیت اقتصادی در پیکره رویکردهای سیاسی سرمایه‌داری، لیبرالیستی و سوسیالیست‌ها تعریف می‌شود. برای نمونه، پیروان مکتب سودانگاری^۱ و سوداگری نو^۲، امنیت اقتصادی را ابزاری برای دولت‌ها می‌دانند که باید در راستای اهداف اجتماعی و سیاسی عمل کند و برقرارکننده امنیت می‌دانند که برای بازارها و شرکت‌ها ضروری‌اند. موفقیت اقتصادی در این رویکرد، نوعی بازی با حاصل جمع صفر است (بوزان، ویور و ویلد، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

سیوسیالیست‌ها، هم اقتصاد را ریشه تمام کالبد اجتماع می‌دانند و هم معتقدند که دولت‌ها باید اقتصاد را به سمت اهداف اجتماعی و سیاسی، عدالت و برابری سوق دهند. از نظر سوسیالیست‌ها باید امنیت اقتصادی کسانی را که

۱- Mercantilism

۲- Neomercantilism

گرفتار ضعف اقتصادی‌اند، به زیان قدرتمندان اقتصادی تضمین کرد (بوزان، ویور و ویلد، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

لیبرال‌ها با اولویت قائل‌شدن برای اقتصاد، مدعی‌اند که باید اقتصاد را ریشه کالبد اجتماع دانست و بازار را به حال خود گذاشت تا بدون دخالت دولت، تا حد ممکن، آزادانه کار خود را انجام دهد. لیبرال‌ها کارایی و بهره‌وری اقتصادی را ارج می‌نهند و روابط اقتصادی را نوعی بازی با حاصل جمع مثبت می‌دانند که می‌تواند برای هر دو طرف آن سودآور باشد (بوزان، ویور و ویلد، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

با توجه به اینکه درک مفهوم امنیت اقتصادی با رویکرد نظام‌های اجتماعی پیوند عمیقی دارد، پس امنیت اقتصادی در نظام اجتماعی، متمایز و دارای معانی متفاوتی است. با این توصیف، از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی، رابطه امنیت اقتصادی و نظام اجتماعی چگونه تعریف‌پذیر است؟ در کدام یک از نظام‌های اجتماعی، امنیت اقتصادی برقرار می‌شود و در کدام یک از نظام‌های اجتماعی، ناامنی اقتصادی حکمفرما می‌شود؟ پرسش‌های گوناگونی از این دست وجود دارد. اما با وجود تعاریف مکاتب متفاوت از امنیت اقتصادی، آنها در یک نقاط مشترک مفهومی گردهم می‌آیند و آن اینکه بین امنیت اقتصادی و کارایی و بهره‌وری رابطه دوسویه وجود دارد. با وجود تعاریف متفاوت از امنیت اقتصادی و اهمیت فراوان این مقوله برای نظم اجتماعی، پژوهش‌کنونی به‌دنبال شناسایی میزان تأثیر امنیت اقتصادی جامعه بر بهره‌وری سرمایه اقتصادی است و اینکه راه‌کارهای انتظامی مقابله با ناامنی اقتصادی چیست؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

نتایج یافته‌های کندی و صادقی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که قاچاق کالا بر رکود اقتصادی، تورم، اشتغال‌زایی ناقص و تولید داخلی و عدم امنیت سیاسی و اجتماعی، تأثیرات شدیدی برجای می‌نهد و باعث فساد و تخریب بنیادین ریشه‌های اقتصادی کشور می‌شود.

نتایج یافته‌های نقدی، کاغذیان و لشکری‌زاده (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی نادرست با ایجاد نابرابری‌های درآمدی و شکاف اجتماعی، زمینه‌های بروز انواع جرائم را فراهم کرده و امنیت اجتماعی را به خطر اندازد.

نتایج یافته‌های بهرامی و غنی‌زاده (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که پلیس امنیت اقتصادی به‌عنوان ضابط قوه قضائیه، سابقه مبارزه با جرم و مجرمان را در بین پلیس‌های کشف جرم در شناسنامه خود داشته و به‌عنوان جدیدترین نهاد کشف جرم در حوزه‌های مبارزه با انواع جرائم اقتصادی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز و همین‌طور کشف و ضبط انواع ادله‌های اثباتی جرم، دستگیری متهمان و مجرمان و ممانعت از فرار و اختفاء آنها به ایفای وظیفه می‌پردازد.

نتایج یافته‌های بهرامی و خوش‌منش (۱۳۹۵) نشان داد که تأسیس منطقه آزاد و آثار مثبت اقتصادی و ... در ارتقای امنیت اقتصادی و کاهش قاچاق کالا در سطح منطقه‌ای و ملی و حتی بین‌المللی، نقشی حیاتی ایفا می‌کند.

نتایج یافته‌های رشیدی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که در مجموع ۲۵ متغیر در ایجاد امنیت اقتصادی در کشور مؤثر است که ذیل مقوله‌های پولی، تأمین کالای اساسی، تجارت خارجی، خط‌مشی بازار، عملکرد اقتصادی، نیروی انسانی و شرایط مساعد محیط اقتصادی قرار دارد. درنهایت با تعیین وزن هر یک از متغیرها و مقوله‌ها در ایجاد امنیت اقتصادی، الگوی نهایی سنجش امنیت اقتصادی کشور به‌دست آمده است.

نتایج یافته‌های بشیری و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که بهره‌وری خدمات سازمان‌ها، یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت اقتصادی جامعه است و به افزایش توان رقابتی سازمان‌ها در چرخه اقتصادی جامعه و بهبود بهره‌وری برای ارتقای امنیت اقتصادی جامعه کمک می‌کند.

نتایج یافته‌های بوراک و دیگران^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی دائمی، یافتن ابزارهای مؤثر پایداری امنیت اقتصادی بسیار مهم است

۱- Burak, Khadzhyanova, Gonchar, Kalinin

و بر داده‌هایی متمرکز شدند که بر سازوکارهای دولت در حمایت از فعالیت‌های بازاریابی و سرمایه‌گذاری برای ایجاد امنیت اقتصادی تأکید می‌کند.

نتایج یافته‌های کریستین پژو^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که در طول بحران اقتصادی (۲۰۰۷-۲۰۰۹) در آمریکا با کاهش تولید خودرو مواجه شدند اما پس از ایجاد امنیت اقتصادی در سال ۲۰۱۸ تعداد ۷ میلیون دستگاه خودرو افزایش یافت. در کشورهای اروپای جنوبی (اسپانیا، ایتالیا، پرتغال و یونان) نیز پس از ایجاد شرایط امنیت اقتصادی به میزان ۶۰ درصد تولید خودروها در سال ۲۰۱۳ نسبت به شرایط بحران اقتصادی سال ۲۰۰۷ صورت گرفت.

نتایج یافته‌های بورکالتسوا و دیگران^۲ (۲۰۱۷) نشان داد که الگوی عقلانی اقتصاد نهادی در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی توسعه فضایی-مکانی و ایجاد امنیت اقتصادی جامعه کارآمد است.

نتایج یافته‌های درابوزکو و دیگران^۳ (۲۰۱۶) نشان داد که نشریات گروهی با هدف تبیین «مفهوم توسعه امنیت اقتصادی در اقتصاد جهانی شده» برای سیاستمداران، دانشمندان، کارآفرینان و جامعه علمی به‌عنوان سازوکار تنظیم اثربخش فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و بازار، مفید است.

نتایج یافته‌های پاولینک^۴ (۲۰۱۵) پیرامون نقش بحران اقتصادی (۲۰۰۸-۲۰۰۹) جهان بر صنعت چک و اسلواکی نشان داد بیشتر این شرکت‌ها متأثر از بحران اقتصادی، کاهش چشمگیری را در زمینه تولید، درآمد و اخراج کارگران تجربه کردند.

تحلیل یافته‌های فوسبرگ (۲۰۱۲) نشان داد که بحران مالی و رکود در دهه نخست قرن بیست‌ویکم به تغییرات چشمگیری در ساختار سرمایه شرکت‌ها منجر شده است. به‌ویژه، میزان بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌های نمونه، به‌طور متوسط ۵،۵ درصد در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، افزایش یافته

۱- Peugeot

۲- Burkaltseva, Dmitrievna; Borsch, ...

۳- Drobyazko, Dos-Santos, and Crotts

۴- Pavlínek

است. پس از حذف اثر رکود از ساختار سرمایه شرکت‌ها، مشخص شد که تقریباً تمام ۵,۱ درصد تغییر در بدهی ناشی از بحران مالی بود.

نتایج یافته‌های گراهام^۱ (۲۰۱۰) نشان داد که بحران اقتصادی جهانی صنعت خودرو، از همان ابتدا تحت‌تأثیر قرارداد مخرب بوده و تقریباً هر خودروساز کاهش دورقمی طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در فروش، ثبت کرده است. بهره‌وری سرمایه شرکت‌های جنرال موتورز و کرایسلر کاهش یافت و هزاران نفر از کارگران این شرکت‌ها شغل خود را از دست دادند.

نتایج یافته‌های استروژن و بیس‌بروک^۲ (۲۰۱۰) نشان داد بحران اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸، بر کاهش عوامل تولید صنایع اکثر کشورهای پیشرفته نظیر آمریکا، آلمان، ژاپن، کره جنوبی و انگلیس و سایر کشورها (اسپانیا، کانادا، ایتالیا، مکزیک) تأثیر فاجعه‌باری گذاشته و سطح مداخله دولت‌ها را محدود کرده است.

نتایج یافته‌های هاکر و دیگران^۳ (۲۰۱۰) در آمریکا نشان داده که تجربه آمریکاییان از زیان و رکود اقتصادی بزرگ از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۹، از ۱۲,۲ درصد به ۲۰,۴ افزایش یافته است.

نتایج یافته‌های پیمایش بنیاد کایزر^۴ (۲۰۰۹) نشان داد که در شرایط بحران اقتصادی (رکود و تورم اقتصادی)، ناامنی اقتصادی - که شامل بیکاری هم هست - در جامعه افزایش یافته؛ به طوری که نرخ بیکاری از ۴,۶ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۹,۳ درصد تا سال ۲۰۰۹ رسیده است.

مرتبط‌ترین یافته‌های پژوهش درباره بهره‌وری سرمایه، بر نقش سیاست‌های اقتصادی مقررات‌زدایی اقتصاددانان بر افزایش بهره‌وری اقتصادی تأکید دارند. گرچه در بین انواع بهره‌وری اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی مقررات‌زدایی به افزایش بهره‌وری سرمایه کمک می‌کند، اما در نهایت به افزایش بحران‌های مالی

۱- Graham

۲- Sturgeon, & Biesebroeck

۳- Hacker, Huber, Rehm, Schlesinger, Valletta

۴- Kaiser Family Foundation

و اقتصادی در سطح وسیع‌تر جامعه و ناامنی اقتصادی جامعه منجر می‌شود. نتایج یافته‌های اقتصاددانان درباره امنیت اقتصادی و افزایش بهره‌وری به کمک مقررات‌زدایی و با رویکرد نئولیبرالیسم، بیشتر در جوامع توسعه‌یافته کاربرد دارد، درحالی‌که مقررات‌زدایی در جوامع کمتر توسعه‌یافته، به ناامنی و بحران‌های اقتصادی گسترده‌تر دامن می‌زند.

به‌طور کلی عمده تحقیقات داخلی و خارجی به رابطه امنیت اقتصادی و بهره‌وری اشاره نکرده و جسته و گریخته پیرامون ناامنی اقتصادی بحث کردند. در این پژوهش در نظر است افزون‌بر اینکه امنیت اقتصادی و ناامنی اقتصادی تبیین و تشریح شود، به عوامل موجب جامعه‌شناختی اقتصادی ناامنی و بحران‌های اقتصادی به‌ویژه تناقضات ساختاری نظام اقتصادی به لحاظ علمی مورد بحث و بررسی قرار دهد و راه‌کار جامعه‌شناختی اقتصادی را در حوزه نقش نیروی انتظامی و در تعامل اثربخش و هم‌افزا با نهادهای دولتی برای برقراری امنیت اقتصادی جامعه و مقابله با ناامنی اقتصادی تجویز کند.

مبانی نظری

لیبرالیسم؛ مقررات‌زدایی و ناامنی اقتصادی: اندیشه اقتصادی آدام اسمیت، درهایی برای اقتصاددانان لیبرال (منطق بازار رقابت آزاد) و مکتب لیبرالیسم و اقتصاددانان نئوکلاسیک امروزی باز کرده است. تمرکز آدام اسمیت بر بهره‌وری نیروی کار و سرمایه بود و وی اعتقاد داشت که راز ثروت ملت‌ها، در بهره‌وری نیروی کار و انباشت سرمایه است و زمانی چرخه اقتصادی بازار به جریان می‌افتد که ثبات اقتصاد بازار و امنیت اقتصادی بر جامعه حکمفرما باشد.

تعبیر «دست‌های نامرئی» آدام اسمیت^۱ (۱۷۷۶)، پدر علم اقتصاد را می‌توان به‌طور ساده، اشاره به نیروهایی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار به تعادل رسانده و تنظیم می‌شود. او معتقد بود «نظام مبتنی بر بازار سرمایه‌داری رقابتی» منافع همه طرف‌ها را تأمین می‌کند (قدیری‌اصل، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۷).

۱- Smith, Adam

همچنین «آزادسازی بازارها و حذف اختلال قیمت‌ها به‌طور مستقیم بر افزایش بهره‌وری سرمایه تأثیر می‌گذارد» (هانت، ۱۳۹۵: ۳۸۶).

اقتصاددانان متأخر به تبعیت از رویکرد آدام اسمیت، معتقدند که فعلاً دست‌های نامرئی تنظیم‌کننده اقتصاد جامعه و بازار توسط دولت‌ها اداره می‌شود.

اقتصاددانان متأخر (نئوکلاسیک‌ها و نئولیبرال‌ها) به تأسی از رویکرد لیبرالیستی اسمیت، نظیر استانکو^۱ (۲۰۱۰)، تیموجین^۲ (۲۰۰۹)، گو و لافرَنس^۳ (۲۰۰۸)، و کلیسون^۴ (۲۰۰۴) معتقدند که آزادسازی بازارها و رقابت‌پذیری بیشتر به کمک سیاست‌های مقررات‌زدایی دولت، شدنی است.

تیموجین (۲۰۰۹: ۲۸) معتقد است که مقررات‌زدایی دولت برای افزایش بهره‌وری لازم است، اما به‌جای منافع فردی، باید به منافع اجتماعی توجه شود. یک راه مؤثر برای افزایش بهره‌وری مفید، تنظیم نوآوری‌ها به‌گونه‌ای است که دولت به‌طور دائم در حال فعالیت و از تغییرات نهادها آگاه باشد و چارچوب نظارتی را ترویج کند تا کارآفرینان و سایر اعضای جامعه را برای پیشرفت تشویق کند.

پژوهش‌های سری‌زمانی مؤسسه مک‌کینزی نشان داده است که مقررات‌گرایی و نبود رقابت از عوامل اصلی رشد پایین بهره‌وری اقتصادی در بسیاری از کشورها بوده است (لافرَنس، ۲۰۰۸: ۷؛ کلیسون، ۲۰۰۴: ۹-۱۲). مقررات‌زدایی (حذف محدودیت‌ها و موانع) و نوآوری، به رقابت‌پذیری و کارایی بیشتر بازار کار و سرمایه و محصول منجر می‌شود (استانکو، ۲۰۱۰: ۴-۵).

گو و لافرَنس (۲۰۰۸) و استانکو (۲۰۱۰) معتقدند: وضعیت بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در شرایط اقتصادی باثبات و بحران و ناامنی اقتصادی، متفاوت است و مقررات‌زدایی به‌طور قهری موجب افزایش بهره‌وری نمی‌شود، بلکه بازار

۱- Stankov

۲- Tymoigne

۳- Gu, and Lafrance

۴- Kellison

در شرایط اقتصادی متفاوت، واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهد. برای نمونه، «استانکو معتقد است که بازتنظیم بازار اعتباری در مقیاس بزرگ برای پاسخ به پیامدهای رکود، بحران و ناامنی اقتصادی جامعه، یک رویکرد نادرست برای مقابله با پیامدهای بحران مالی است» (استانکو، ۲۰۱۰: ۱ و ۶).

در مقابل نئولیبرالیست‌ها، نظریه‌پردازان مکتب تنظیم مقررات پارسی، دیدگاهی مخالف دارند و معتقدند که مقررات‌زدایی موجب بحران اقتصادی و مالی جوامع می‌شود و بنابراین اثر مفیدی در بهره‌وری اقتصادی ندارد.

نظریه‌پردازان مکتب تنظیم مقررات پارسی نظیر رابرت بوایر^۱ (۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷)؛ باب جسوپ^۲ (۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۶) و آلن لیپتتز^۳ (۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲، ۲۰۱۳) معتقدند که اشکال عمده اقتصاددانان لیبرال و نئولیبرال این است که آنان با هدف افزایش بهره‌وری اقتصادی بازار، سیاست‌های اقتصادی مقررات‌زدایی را برای دولت‌ها تجویز می‌کنند که عمدتاً پیامدهای ناامنی اقتصادی و بحران‌های مالی برای دولت و جامعه خواهد داشت.

بوایر (۲۰۰۰) از جامعه‌شناسان اقتصادی متأخر معتقد است: دولت‌هایی که با هدف افزایش بهره‌وری اقتصادی و مالی، به مقررات‌زدایی مالی می‌پردازند، زمینه ناامنی و بحران‌های اقتصادی در سطح وسیع‌تر برای شرایط آتی اقتصاد جامعه، ایجاد می‌کنند (بوایر، ۲۰۰۰: ۲۹۷).

بوایر (۱۹۹۰)، استدلال می‌کند بحران‌های اقتصادی در سیاست‌های اقتصادی ریشه دارد که با هدف افزایش بهره‌وری اقتصادی و مالی و بهره‌وری سرمایه، به مقررات‌زدایی و حذف محدودیت‌های اقتصادی می‌پردازند. گرچه اقدام به مقررات‌زدایی با رویکرد اقتصادی نئوکینزینی و اقتصاد نئوکلاسیک و لیبرال و افزایش نرخ بهره بانکی، زمینه را برای اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری در بازار و جامعه اقتصادی ایجاد می‌کند، اما زمینه بحران‌ها و ناامنی اقتصادی را در

۱- Boyer

۲- Jessop

۳- Lipietz

سطح وسیع‌تر و عمیق‌تر نیز فراهم می‌کند. برای نمونه، مقررات‌زدایی مالی در صنعت مسکن (لهمان برادرز) به مقررات‌زدایی در سطوح دیگری نظیر صنعت خودروی بزرگ آمریکا منجر شد و در نهایت موجب ورشکستی دو صنعت خودروی بزرگ آمریکا به نام کرایسلر و جنرال موتورز در سال ۲۰۰۸ شد.

اوکانر^۱، «دولت رفاه» را محصول روابط سرمایه‌داری نوظهور تفسیر می‌کند و معتقد است بحران مالی دولت سرمایه‌داری، نتیجه اجتناب‌ناپذیر شکاف ساختاری بین هزینه‌ها و درآمدهای دولت است (اوکانر، ۲۰۰۱: ۱۱).

زیمنسکی^۲ (۱۹۷۴) نظریه «بحران مالی دولت» اوکانر را به آزمون می‌نهد. در تحلیل وی، درصد هزینه‌کرد نظامی فدرال و دولت محلی از ۳۴ درصد در سال ۱۹۶۰ تا ۱۸ درصد در سال ۱۹۷۳ کاهش می‌یابد. اما نسبت نرخ هزینه‌کرد اجتماعی فدرال به هزینه‌کرد نظامی از ۰/۵۹ در ۱۹۶۰ به ۱،۴۵ تا سال ۱۹۷۳ افزایش می‌یابد (زیمنسکی، ۱۹۷۴: ۸۲).

میلر^۳ (۱۹۸۶) براساس «نظریه بحران مالی» اوکانر معتقد است که دولت رفاه کینزی، خود ابزاری برای بهره‌کشی نیروی کار به نفع سرمایه بوده است. کلاوس اوفه معتقد است دولت سرمایه‌داری نو، واجد تناقضات ذاتی است (اوفه، ۱۹۸۴: ۱۳۱). اوفه تناقض ساختاری و ذاتی محدودیت‌های سیاست اقتصادی دولتی را با توجه به محدودیت‌های کارکردی و ساختاری آن برحسب ضرورت برآورد نیازهای افشار جامعه و جلب حمایت سرمایه و کار (تضمین انباشت سرمایه خصوصی) و تأمین مشروعیت سیاسی در یک زمان، تعریف می‌کند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۵۱).

اوکانر معتقد است که دولت در صورتی در رابطه با توسعه اقتصادی، دچار بحران مالی و ناامنی اقتصادی می‌شود که هزینه سرمایه اجتماعی مولد با هدف انباشت سرمایه و رشد اقتصادی از یک سو و هزینه سرمایه اجتماعی غیرمولد با هدف تأمین امنیت و ثبات جامعه از سوی دیگر، به‌طور همزمان افزایش یابد و

۱- O'Connor

۲- Szymanski

۳- Miller

این مسئله در شرایط رکود اقتصادی بلندمدت دوجندان می‌شود و کارآمدی خود را برای انسجام سیاسی و اقتصادی جامعه از دست می‌دهد (فوق^۱، ۲۰۰۰: ۶۸).

پولانتزاس معتقد است که مداخله دولت در اقتصاد جامعه، تناقضات جدیدی را در درون نظام به وجود می‌آورد. دولت در این مداخله، هزینه‌های فزاینده بازتولید نیروی کار را می‌پردازد؛ درحالی‌که سرمایه خصوصی، سود بیشتری را از نیروی کار به دست می‌آورد. نتیجه این کار، بروز بحران مالی در دولت است (کاستلز^۲، ۱۹۷۷: ۲۲۹).

تبیین جامعه‌شناختی امنیت و ناامنی اقتصادی: آگلیتا^۳ (۱۹۷۹) بنیانگذار مکتب تنظیم مقررات اقتصادی پاریسی و طرفداران وی یعنی بوایر (۲۰۰۰، ۲۰۰۷)، جس-ووپ (۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱)؛ لیپتیز (۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۱۳)، معتقدند: ناامنی اقتصادی ساختاری در تناقضات ذاتی نظام سرمایه‌داری ریشه دارد. برای نمونه، آگلیتا معتقد است: «تناقضات ساختاری در نظام سرمایه‌داری، منبعث از ویژگی‌های دائمی رابطه سرمایه هستند. معمولاً این تناقضات در تقابل بین عوامل تولید، نهادها و نظام‌های مختلف به‌عنوان حاملان اصلی جنبه‌های تناقض تبیین می‌شوند» (آگلیتا، ۱۹۷۹: ۳۲ و ۶۹).

حتی پارسونز در مقام یک جامعه‌شناس اقتصادی از منظر ساختارگرایی-کارکردی معتقد است که ناامنی و بحران اقتصادی جامعه در تناقض ساختاری و کارکردی نظام سرمایه‌داری نهفته است. «نظام سرمایه‌داری پویا نیست، بلکه به‌طور ذاتی متناقض است» (سوندرز^۴، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

گرینین، کوروتایو و تاوچ^۵ (۲۰۱۶) درباره شکل امواج اقتصادی کندراتیو، معتقدند که اقتصادهای سرمایه‌داری غرب دارای دوره‌های طولانی‌مدت (۴۰ تا ۶۰ ساله) رونق می‌گیرند و به دنبال آن رکود و بحران ساختاری و ناامنی

۱- Gough

۲- Castells

۳- Aglietta

۴- Saunders

۵- Grinin, Korotayev, Tausch, Arno

اقتصادی بروز می‌یابد. همچنین در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، امواج کندراتیو به نام امواج بلند یا چرخه‌های اقتصادی طولانی نیز به کار می‌رود. هر موجی بین ۴۰ تا ۶۰ سال متغیر است و این چرخه‌ها در فواصل متوالی رشد اقتصادی بالا اما نسبتاً کند تشکیل شده است (کورتایو و همکاران^۱، ۲۰۱۰: ۳).

پربیش، مسئله نامنی اقتصادی را در اقتصاد جهانی به‌ویژه در کشورهای پیرامونی در ناهمگونی ساختاری اقتصاد جامعه تبیین می‌کند. برای پربیش، مشکل صنعتی شدن کشورهای پیرامونی، جذب پایین نیروی کار مازاد بود. بنابراین برخی کارگران در بخش‌های با بهره‌وری بالا و برخی دیگر در بخش‌های با بهره‌وری پایین جذب شدند. این مسئله موجب توزیع ناعادلانه درآمدها در میان کارگران شده است. به‌عبارتی، بهره‌وری در «اقتصادهای پیرامونی»^۲ با «ناهمگونی ساختاری»^۳ مواجه شده بودند و این مسئله موجب بی‌ثباتی اقتصاد کلان در کشورهایی نظیر آمریکای لاتین شده بود (اوکامپو^۴، ۲۰۰۱: ۲۵).

چلبی در چارچوب رویکرد پارسونزی، علل نامنی اقتصادی را در اختلال توزیعی ثروت و سرمایه در جامعه می‌داند و می‌گوید: «پیامدهای تراکم ثروت مادی برای تضاد اجتماعی از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. با افزایش تراکم ثروت مادی، ثبات کنترل اجتماعی به هم خورده، موجب از هم‌گسیختگی و بحران‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

کاستلز معتقد است که تناقض ساختاری نظام سرمایه‌داری از طریق ناسازگاری بین سود و نیاز، بین ارزش مبادله و ارزش مصرفی، بین تولید و مصرف به شکل‌های مختلفی خود را در دنیای سرمایه‌داری نشان می‌دهد. اگر این تناقض در حال رشد، تنظیم و به کنترل درنیاید، در آن صورت منابع جدیدی برای تنش و تضاد سیاسی به‌وجود خواهد آورد (کاستلز، ۱۹۷۸: ۱۸). از نظر کاستلز، تنظیم تناقضات نظام از کارکردهای ویژه سطح سیاسی است و

۱- Korotayev, & Tsirel,

۲- peripheral economies

۳- structural heterogeneity

۴- Ocampo

دولت تلاش می‌کند با مداخله خود، به کل نظام اجتماعی، ساختار بخشد (سوندرز، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

تجویز اقتصاددانان و جامعه‌شناسان اقتصادی: نظریه‌پردازان مکتب تنظیم مقررات اقتصادی، ساختار متناقض درون نظام سرمایه‌داری را عامل اصلی تبیین بحران و ناامنی اقتصادی جامعه می‌دانند. راهبرد اصلی آنان برای حل این تناقض و معضل ساختاری، سیاست‌های اقتصادی دولت در تنظیم بازار است.

راه‌کار جایگزین مکتب تنظیم مقررات پارسی در مقابل مقررات‌زدایی مکتب لیبرالیسم اقتصادی، شیوه‌های جامعه‌پذیری جامعه پُست‌فوردیستی از طریق توسعه فناوری سبز است. ویژگی‌های جامعه پُست‌فوردیستی شامل نوآوری، انعطاف‌پذیری و تنوع محصولات متناسب با سفارش‌های مشتریان، ارتقاء کیفیت تولید، اخذ مشارکت سازمان‌های دولتی و خصوصی در راستای اهداف کلان سیاسی و اقتصاد جامعه با هدف تنظیم مقررات اقتصادی برای افزایش بهره‌وری فناوری سبز در حوزه تولید است (جسوپ، ۱۹۹۶: ۱۷۳-۱۷۰).

راهبرد تالکوت پارسونز برای درمان ناامنی اقتصادی از نوع ساختاری، «ترفیع انطباقی» است. پارسونز در تعریف این فرایند می‌گوید: اگر تمایز به نظام متعادل و تکامل‌یافته‌تری منجر شود، هر یک از زیرساخت‌هایی که به‌تازگی تمایز یافته است ... باید ظرفیت انطباق‌پذیری خود را افزایش دهند تا به اجرای کارکرد اولیه بپردازند. چنین فرایندی را جنبه «ترفیع انطباقی» چرخه دگرگونی تکاملی می‌نامند» (زاهدی، ۱۳۹۳: ۷۱). به عبارت دیگر، نظام اقتصادی باثبات و دارای بهره‌وری اقتصادی پایدار، در چارچوب ترفیع انطباقی یعنی تمایز‌پذیری ساختاری پیچیده‌تر به همراه یکپارچگی بیشتر در جامعه است.

پارسونز در تحلیل جامعه‌شناسی اقتصادی خود بین امنیت و نظام اقتصادی با نظام اجتماعی، گُنش متقابل برقرار می‌کند و برای حل بحران‌های اقتصادی،

تأمین امنیت سرمایه را از طریق نظام سیاسی می‌جوید. وی معتقد است: «سیاست ضامن «امنیت سرمایه» برای بازار است تا در راه تولید، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه محقق شود. نهادهای سیاسی پایه نظام پولی و اعتباری را حفظ می‌کنند و با کم یا زیاد کردن حجم نقدینگی، حافظ ارزش واحد پولی هستند» (روشه، ۱۳۷۶: ۱۳۷). بنابراین بهره‌وری سرمایه پایدار تابع امنیت سرمایه‌گذاری است که باید توسط نظام سیاسی در جامعه تأمین شود.

از نظر آلتوسر، دولت از طریق قوانین و حقوق، روابط تولیدی و نیروی کار، روابط ساختاری نظام اقتصادی را بازتولید می‌کند. دولت از طریق شناسه‌گذاری حقوقی، از منافع صاحبان اموال و سرمایه‌گذاران حمایت و حفاظت می‌کند (بونامانو^۱، ۲۰۱۴: ۱۶). بنابراین امنیت سرمایه‌گذاری یعنی حفاظت از منافع صاحبان اموال و کارخانه و امنیت شغلی یعنی حفاظت از حقوق و دستمزد کارگران، در حیطة قدرت قانونی دولت است و دولت از طریق قوانین و مقررات حقوقی کار، سرمایه، بازار سهام و غیره، به ایفای نقش می‌پردازد.

راهبرد اقتصادی رودریگز و چایلد^۲ (۲۰۰۳) و دیلمان و ساچ^۳ (۲۰۰۸) از اقتصاددانان متأخر، مشابه با مفهوم «ترفیغ انطباقی» جامعه‌شناسی اقتصادی پارسونز در تبیین رشد بهره‌وری پایدار اقتصاد جامعه، از مفهومی تحلیلی ترکیبی «تکامل هم‌افزا»^۴ استفاده می‌کنند. آنها معتقدند که برای تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری سرمایه صنایع باید بین راهبردهای صنایع و سیاست‌های اقتصادی دولت، تکامل هم‌افزا صورت گیرد.

به‌طور کلی جامعه‌شناسان اقتصادی در رابطه امنیت و توسعه اقتصادی اینگونه استنباط می‌کنند که ایجاد توسعه و تأمین امنیت سرمایه و توسعه بازار کار هر دو برای دولت هزینه دارد و اگر دولت نتواند تعادلی بین این دو برقرار کند، با بحران مالی و ناامنی اقتصادی و سیاسی مواجه می‌شود. بنابراین برای تأمین امنیت اقتصادی جامعه به‌ویژه در شرایط بحران‌ها و ناامنی اقتصادی

۱- Buonamano

۲- Rodrigues, & Child

۳- Dieleman, & Sachs

۴- Co-evolution

جامعه، نقش نهادهای امنیتی و نیروی انتظامی با رویکرد تعامل هم‌افزا و هم‌تکاملی با سیاست‌های اقتصادی دولت، برای مقابله با ناامنی و بحران‌های اقتصادی و مالی بازار، مقررات مالی و اقتصادی، ضرورت می‌یابد.

روش پژوهش

روش تحقیق، کمی از نوع طولی است.

طرح‌های طولی، انواع زیادی دارند. با این همه مضمون مشترک همه آنها، سنجش تغییر در طول زمان و انجام این عمل با گردآوری داده‌های مربوط به حداقل دو مقطع زمانی است (دواس، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۵).

طرح طولی کمی در تحقیق کنونی از نوع روندپژوهی یا سری زمانی داده‌های معتبر و تولیدشده توسط مؤسسات پژوهشی معتبر است. در ارتباط با متغیرهای پژوهش، متغیر اصلی امنیت اقتصادی است که از پیمایش جهانی مؤسسه هریتیج و فریزر مربوط به داده‌های «دسترسی به آزادی اقتصادی» ۱۹۸۰-۲۰۲۰ استفاده می‌شود. برای متغیر وابسته، بهره‌وری اقتصادی از داده‌های گروه صنعتی ایران خودرو مربوط به بهره‌وری سرمایه از سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۹ استفاده می‌شود.

برای اندازه‌گیری بهره‌وری سرمایه در یک فعالیت اقتصادی، از نسبت شاخص ارزش افزوده (یا ارزش شاخص ستانده) به شاخص موجودی سرمایه در آن فعالیت محاسبه می‌شود (سازمان ملی بهره‌وری ایران، ۱۳۹۷: ۱۰؛ بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹۷: ۹). این شاخص از تقسیم ارزش افزوده بر ارزش موجودی اموال سرمایه‌ای ثابت حاصل می‌شود (ارزش اموال سرمایه‌ای ثابت / ارزش افزوده = بهره‌وری سرمایه). روش تحلیل داده‌ها نیز متناسب با سطح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته از طرح طولی به شیوه جدول زیر پیروی می‌کنیم.

جدول ۱. روش تحلیل داده‌های طولی (مربوط به مجموعه زمانی)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	روش تحلیل
فاصله‌ای (بهره‌وری سرمایه)	فاصله‌ای (امنیت اقتصادی جامعه)	رگرسیون، تحلیل رشته زمانی، مدل معادلات ساختاری
فاصله‌ای (بهره‌وری سرمایه)	اسمی چندگانه (امنیت اقتصادی دولت‌های هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی)	تحلیل واریانس، رگرسیون با متغیر ظاهری

مأخذ: دواس، ۱۳۹۶: ۲۰۷ با اقتباس از منارد، ۱۹۹۱

یافته‌های پژوهش

متغیر امنیت اقتصادی به‌عنوان متغیر مستقل و بهره‌وری سرمایه به‌عنوان متغیر وابسته براساس داده‌های سری زمانی معتبر مؤسسه هریتیج- فریزر در سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۸۸ و گروه صنعتی ایران خودرو طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۶۸ به شرح ذیل تبیین می‌شود.

امنیت اقتصادی (متغیر مستقل): امنیت اقتصادی در یک تعریف کلی از منظر مؤسسه فریزر با رویکرد لیبرالیسم، به دسترسی آزاد همگان به خدمات و کالاهای اقتصادی و جامعه بازار، اشاره دارد. امنیت اقتصادی دارای پنج متغیر به نام‌های ۱. حجم و اندازه دولت، ۲. ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، ۳. دسترسی به نقدینگی سالم، ۴. آزادی تجارت خارجی و ۵. تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت، است.

متغیر حجم و اندازه دولت: این متغیر دارای چهار شاخص: ۱/۱. مصرف دولت، ۲/۱. حجم یارانه‌ها، ۳/۱. سرمایه‌گذاری دولت و ۴/۱. نرخ‌های مالیات بر درآمد و حقوق، است. متغیر حجم و اندازه دولت از ۵,۰۷ در دولت هاشمی رفسنجانی آغاز شده و به روند صعودی ۶,۱۳ در دولت حسن روحانی رسیده است. این نتیجه از یافته‌ها نشان می‌دهد که حجم و اندازه دولت پس از انقلاب اسلامی، توسط رؤسای دولت بزرگتر شده که با ادبیات علمی لیبرالیسم با هدف کوچکتر کردن دولت برای تأمین امنیت اقتصادی در تناقض است.

متغیر ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت: این متغیر دارای چهار شاخص: ۱/۲. استقلال از دستگاه قضایی، ۲/۲. حمایت از مالکیت معنوی، ۳/۲. دخالت نظامی و ۴/۲. یکپارچگی دستگاه قضایی، است. این متغیر در دولت هاشمی رفسنجانی از درجه ۳,۹۲ آغاز و پس از نوساناتی به عدد ۴,۱۲ در دولت حسن روحانی رسیده است.

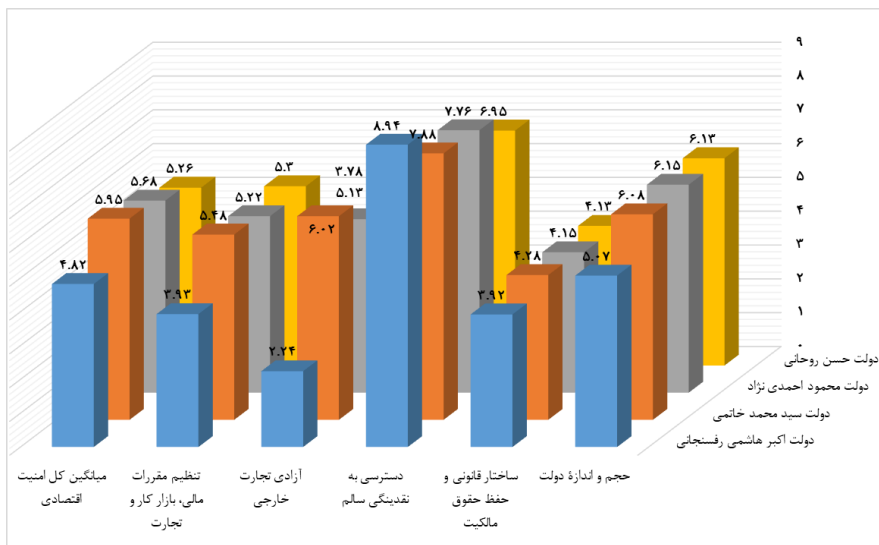
متغیر دسترسی به نقدینگی سالم: این متغیر دارای چهار شاخص: ۱/۳. رشد نقدینگی، ۲/۳. آزادی مالکیت ارزشهای خارجی، ۳/۳. نرخ تورم فعلی و ۴/۳. تغییر تورم در پنج سال اخیر، است. این متغیر در دولت هاشمی رفسنجانی از درجه ۸,۹۴ آغاز و پس از کاهش مکرر به عدد ۷,۸۸ در دولت حسن روحانی رسیده است.

متغیر آزادی تجارت خارجی: این متغیر دارای پنج شاخص: ۱/۴. مالیات و تعرفه‌های گمرکی، ۲/۴. موانع تجاری قانونی، ۳/۴. تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، ۴/۴. کنترل بازار سرمایه و ۵/۴. حجم بخش تجارت، می‌باشد. این متغیر در دولت هاشمی رفسنجانی از درجه ۲,۲۴ آغاز و پس از فراز در دولت خاتمی به عدد ۶,۰۲ و به عدد ۴,۹۸ در دولت حسن روحانی رسیده است.

متغیر تنظیم قوانین مالی، بازار کار و تجارت: این متغیر دارای پنج شاخص: ۱/۵. میزان مشارکت بانکهای خصوصی و خارجی، ۲/۵. محدودیت نرخ سود بانکی، ۳/۵. سهم سپرده‌ها در بانکهای خصوصی، ۴/۵. محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیرو و ۵/۵. سهم اشتغال‌زایی دولت است. این متغیر در دولت هاشمی رفسنجانی از درجه ۳,۹۳ آغاز و پس از فراز و نشیب به عدد ۴,۹۸ در دولت حسن روحانی رسیده است.

جدول ۲. تأمین امنیت اقتصادی دولت‌های ج.ا.ی. در طول سال‌های ۶۸ تا ۹۹

میانگین مؤلفه‌های اقتصادی	حسن روحانی	محمود احمدی‌نژاد	سیدمحمد خاتمی	اکبر هاشمی‌رفسنجانی	مؤلفه‌های تأمین امنیت اقتصادی
۵,۸۶	۶,۱۳	۶,۱۵	۶,۰۸	۵,۰۷	حجم و اندازه دولت
۴,۱۲	۴,۱۳	۴,۱۵	۴,۲۸	۳,۹۲	ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت
۷,۸۸	۶,۹۵	۷,۷۶	۷,۸۸	۸,۹۴	دسترسی به نقدینگی سالم
۴,۲۹	۳,۷۸	۵,۱۳	۶,۰۲	۲,۲۴	آزادی تجارت خارجی
۴,۹۸	۵,۳	۵,۲۲	۵,۴۸	۳,۹۳	تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت
۵,۴۳	۵,۲۶	۵,۶۸	۵,۹۵	۴,۸۲	میانگین کل امنیت اقتصادی



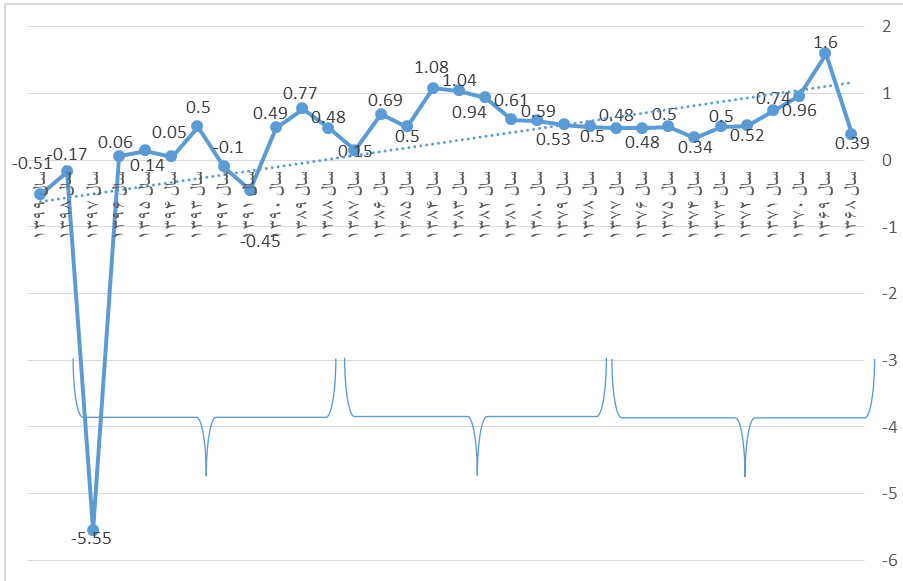
نمودار ۱. نقش دولت‌ها در تأمین امنیت اقتصادی

بهره‌وری سرمایه (متغیر وابسته): میزان بهره‌وری سرمایه که از نسبت ارزش افزوده به سرمایه ثابت در ایران خودرو از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ محاسبه شده، به شرح زیر است. میزان بهره‌وری سرمایه در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی از ۰,۳۹ آغاز و به ۱,۶ در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته و تا سال ۱۳۷۵ به عدد ۰,۵ رسیده است. به‌طور میانگین بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دوره ریاست

جمهوری هاشمی به ازای هر سال، به‌طور میانگین ۰,۶۹ افزایش داشته است. بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دولت سیدمحمد خاتمی، از سال ۱۳۷۶ با میانگین ۰,۴۸ آغاز و به عدد ۱,۰۴ در سال ۱۳۸۳ صعود کرد. میانگین بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دولت خاتمی به ازای هر سال به میزان ۰,۶۵ افزایش داشته است.

بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دولت محمود احمدی‌نژاد با میانگین ۱,۰۸ در سال ۱۳۸۴ آغاز و به عدد ۰,۴۵- در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. میانگین رشد بهره‌وری سرمایه در دولت احمدی‌نژاد به ازای هر سال ۰,۴۶ افزایش داشته است. بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دولت حسن روحانی با میانگین ۰,۱- در سال ۱۳۹۲ آغاز و با عدد ۵,۵- در سال ۱۳۹۷ دچار بحران مالی و اقتصادی شده است. میانگین بهره‌وری سرمایه گروه صنعتی ایران خودرو در دولت حسن روحانی به ازای هر سال، به مقدار ۰,۶۹- کاهش داشته است.

روند بهره‌وری سرمایه گروه صنعتی ایران خودرو از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ در بین چهار دولت برابر نمودار زیر، نشان می‌دهد که اوج بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در سال ۱۳۶۹ در دولت هاشمی رفسنجانی ۱,۶ درصد و بدترین شرایط نامنی و بحران مالی برای کاهش بهره‌وری سرمایه این شرکت در سال ۱۳۹۷ با میانگین ۵,۵- درصد می‌باشد.



دوره ریاست جمهوری حسن روحانی میانگین بهره‌وری (۰.۶۹) -	دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد میانگین بهره‌وری	دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی میانگین بهره‌وری	دوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی
--	---	---	---

نمودار ۲. روند طولی بهره‌وری سرمایه‌گروه صنعتی ایران خودرو در طول دولت‌های چهار رئیس جمهور پرسش ۱. معناداری بهره‌وری سرمایه‌گروه صنعتی ایران خودرو در بین چهار دولت جمهوری اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۹۹)، به چه میزان است؟

در جدول زیر، با استفاده از آزمون پُست‌هوک از تکنیک‌های آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو در میان چهار دولت هشت ساله جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که میانگین بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو در دولت حسن روحانی نسبت به سه دولت دیگر (هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد) کمتر است و این به لحاظ آماری با اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۳. مقایسه تفاوت معناداری میانگین بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در بین دولت‌ها

فاصله اطمینان ۹۵ درصد	مقایسه تفاوت معناداری میانگین بهره‌وری سرمایه				ایران خودرو در بین دولت‌ها
	تفاوت میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درصد	
۱,۱۱	۰,۰۵	۰,۵۲۲	۰,۹۲۸	-۱,۰۲	دولت سیدمحمد خاتمی
۱,۲۹	۰,۰۲۳	۰,۵۲۲	۰,۶۶	-۰,۸۴	دولت محمود احمدی‌نژاد
۲,۴۶	۱,۳۹	۰,۵۲۲	۰,۰۱	۰,۳۲	دولت حسن روحانی
۱,۰۲	-۰,۰۵	۰,۵۲۲	۰,۹۳	-۱,۱۲	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی
۱,۲۵	۰,۱۸	۰,۵۲۲	۰,۷۳	-۰,۸۸	دولت محمود احمدی‌نژاد
۲,۴۱	۱,۳۴	۰,۵۲۲	۰,۰۲	۰,۲۷	دولت حسن روحانی
۰,۸۴	-۰,۲۳	۰,۵۲۲	۰,۶۶	-۱,۳	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی
۰,۸۸	-۰,۱۸	۰,۵۲۲	۰,۷۳	-۱,۲۵	دولت سیدمحمد خاتمی
۲,۲۳	۱,۶۱	۰,۵۲۲	۰,۰۳	۰,۰۹	دولت حسن روحانی
-۰,۳۲	-۱,۳۹	۰,۵۲۲	۰,۰۱	-۲,۴۶	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی
-۰,۲۷	-۱,۳۴	۰,۵۲۲	۰,۰۲	-۲,۴۱	دولت سیدمحمد خاتمی
-۰,۰۹	-۱,۱۶	۰,۵۲۲	۰,۰۳	-۲,۲۳	دولت محمود احمدی‌نژاد

در جدول زیر، مقایسه بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو در میان چهار دولت هشت ساله جمهوری اسلامی با استفاده از آزمون دانکن (از مجموعه آزمون‌های تحلیل واریانس)، نشان می‌دهد که میانگین بهره‌وری سرمایه گروه صنعتی ایران خودرو در دولت حسن روحانی با مقدار (۰,۶۹-) نسبت به میانگین‌های سه دولت دیگر، یعنی میانگین بهره‌وری سرمایه ایران خودرو در دولت هشت ساله اکبر هاشمی رفسنجانی به مقدار (۰,۶۹)، در دولت خاتمی به میزان (۰,۶۵) و احمدی‌نژاد با میانگین بهره‌وری سرمایه (۰,۴۶)، کمتر است و این به لحاظ آماری با اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۴: تفاوت معنی‌داری بهره‌وری سرمایه‌گروه صنعتی ایران خودرو در چهار دوره ریاست جمهوری (با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه: آزمون دانکن)

مقایسه چهار دولت‌ها	فراوانی	تفاوت معنی‌داری میانگین‌ها با اطمینان ۹۵ درصد	مقدار اف	سطح معناداری
دولت حسن روحانی	۸ سال	- ۰,۶۹		
دولت محمود احمدی‌نژاد	۸ سال	۰,۴۶		
دولت سیدمحمد خاتمی	۸ سال	۰,۶۵	۳,۱۶۹	۰,۰۴۰
دولت اکبر هاشمی رفسنجانی	۸ سال	۰,۶۹		

پرسش ۲. به چه میزان تأمین امنیت اقتصادی جامعه در بین چهار دولت جمهوری اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۶۸)، تفاوت آماری معنادار دارد؟

در جدول زیر، مقایسه‌ی درجه‌ی امنیت اقتصادی جامعه در میان چهار دولت هشت ساله‌ی جمهوری اسلامی با استفاده از آزمون دانکن (از مجموعه آزمون‌های تحلیل واریانس)، نشان می‌دهد که میانگین درجه‌ی تأمین امنیت اقتصادی جامعه در دولت اکبر هاشمی رفسنجانی با مقدار (۴,۸۲) نسبت به دولت حسن روحانی با میانگین تولید امنیت اقتصادی به میزان (۵,۲۳) پایین‌تر است. همچنین درجه‌ی تولید امنیت اقتصادی در دولت محمود احمدی‌نژاد با میانگین (۵,۶۸) و در دولت سیدمحمد خاتمی با میانگین (۵,۹۴) بالاتر از درجه‌ی تأمین امنیت اقتصادی است که توسط دولت‌های هاشمی و روحانی در جامعه تولید شده است.

جدول ۵. تفاوت معناداری تأمین امنیت اقتصادی جامعه در چهار دوره ریاست جمهوری (با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه: آزمون دانکن)

مقایسه چهار دولت‌ها	فراوانی	تفاوت معناداری میانگین‌ها با اطمینان ۹۵ درصد	مقدار اف	سطح معناداری
دولت اکبر هاشمی رفسنجانی	۸ سال	۴,۸۲		
دولت حسن روحانی	۸ سال	۵,۲۳	۱۸,۰۱۸	۰,۰۰۰
دولت محمود احمدی‌نژاد	۸ سال	۵,۶۸		
دولت سیدمحمد خاتمی	۸ سال	۵,۹۴		

در جدول زیر، با استفاده از آزمون پُست‌هوک از تکنیک‌های آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسهٔ درجهٔ تولید امنیت اقتصادی جامعه توسط چهار دولت هشت سالهٔ جمهوری اسلامی، استفاده شده و نتایج نشان می‌دهد که میانگین تولید امنیت اقتصادی در دولت سیدمحمد خاتمی با میانگین ۵,۹۴ بالاترین و در دولت هاشمی رفسنجانی به میزان ۴,۸۲ پایین‌ترین درجه را نشان می‌دهد. همچنین میانگین تولید امنیت اقتصادی در دولت احمدی‌نژاد به دورهٔ ریاست جمهوری خاتمی نزدیک‌تر است و وضعیت امنیت اقتصادی دولت حسن روحانی به دولت آقای هاشمی نزدیک‌تر است. به عبارت دیگر درجهٔ تولید امنیت اقتصادی سیدمحمد خاتمی هر ساله حدود یک واحد نسبت به دورهٔ ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در مدت ۸ سال بیشتر شده است. این شکاف به لحاظ آماری با اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. اما شکاف معناداری بین دولت محمود احمدی‌نژاد و دولت سیدمحمد خاتمی مشاهده نشده است.

جدول ۶. مقایسهٔ تفاوت معناداری میانگین تأمین امنیت اقتصادی جامعه توسط دولت‌ها

فاصلهٔ اطمینان ۹۵ درصد		سطح معناداری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	مقایسهٔ تفاوت معناداری میانگین تأمین امنیت اقتصادی جامعه توسط دولت‌ها	
حد بالا	حد پایین					
۰,۷۵۵	-۱,۴۹۱	۰,۰۰۰	۰,۱۷۶	-۱,۱۲	دولت سیدمحمد خاتمی	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی
-۰,۵۰۷	-۱,۲۱	۰,۰۰۰	۰,۱۶۹	-۰,۸۶	دولت محمود احمدی‌نژاد	
۰,۰۶۲	-۰,۷۶	۰,۰۲۳	۰,۱۶۹	-۰,۴۱	دولت حسن روحانی	دولت سیدمحمد خاتمی
-۱,۴۹۱	۰,۷۵۵	۰,۰۰۰	۰,۱۷۶	۱,۱۲	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی	
۰,۵۴۴	-۰,۰۱۷	۰,۰۶۵	۰,۱۳۵	۰,۲۶	دولت محمود احمدی‌نژاد	دولت سیدمحمد خاتمی
۰,۹۸۹	۰,۴۲۷	۰,۰۰۰	۰,۱۳۵	۰,۷۱	دولت حسن روحانی	
۱,۲۱۲	-۰,۵۰۷	۰,۰۰۰	۰,۱۶۹	۰,۸۶	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی	دولت محمود احمدی‌نژاد
۰,۰۱۷	-۰,۵۴۴	۰,۰۶۵	۰,۱۳۵	-۰,۲۶	دولت سیدمحمد خاتمی	
۰,۷۰۵	۰,۱۸۴	۰,۰۰۲	۰,۱۲۵	۰,۴۴	دولت حسن روحانی	دولت حسن روحانی
۰,۷۶۷	۰,۰۶۲	۰,۰۲۳	۰,۱۶۹	۰,۴۱	دولت اکبر هاشمی رفسنجانی	
-۰,۴۲۷	-۹,۹۸۹	۰,۰۰۰	۰,۱۳۵	-۰,۷۱	دولت سیدمحمد خاتمی	دولت محمود احمدی‌نژاد
-۰,۱۸۴	-۰,۷۰۵	۰,۰۰۲	۰,۱۲۵	-۰,۴۴	دولت محمود احمدی‌نژاد	

پرسش ۳. به چه میزان تولید امنیت اقتصادی دولت‌های جمهوری اسلامی (۱۳۹۹-۱۳۶۸)، در روند بهره‌وری سرمایه‌ی گروه صنعتی ایران خودرو مؤثر بوده است؟

نتایج یافته‌های پژوهش درباره‌ی نقش تأمین امنیت اقتصادی در روند بهره‌وری سرمایه‌ی گروه صنعتی ایران خودرو با استفاده از رگرسیون خطی نشان می‌دهد که به‌ازای هر واحد تولید امنیت اقتصادی توسط دولت‌های جمهوری اسلامی، به میزان ۷۸ درصد و در حد بسیار خوب بر بهره‌وری سرمایه‌ی گروه صنعتی ایران خودرو مؤثر بوده است. همچنین الگوی امنیت اقتصادی به همراه پنج مؤلفه که توسط بنیاد هریتیج طراحی شده، به میزان ۶۰ درصد بر افزایش بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو مؤثر بوده است.

جدول ۷. تحلیل مسیر مؤلفه‌های امنیت اقتصادی دولت‌های مؤثر در بهره‌وری سرمایه‌ی گروه صنعتی ایران خودرو

مؤلفه‌های امنیت اقتصادی مؤثر در		ضرایب مقدار		سطح مقدار		ضریب مقدار		سطح مقدار	
بهره‌وری سرمایه		بتا		معناداری تی		اثرگذاری تعیین		معناداری	
حجم و اندازه دولت	-۰/۱۰	۱/۹۷	۰/۰۴۵						
ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت	-۰/۴۵	۲/۳۲	۰/۰۰۹						
دسترسی به نقدینگی سالم	۰/۶۰	۳/۲۰	۰/۰۰۰						
آزادی تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی	۰/۴۹	۲/۴۷	۰/۰۰۵						
تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت	۰/۳۳	۲/۰۶	۰/۰۱۴						

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان پنج مؤلفه‌ی امنیت اقتصادی، عامل دسترسی به نقدینگی سالم (برای نمونه ارز خارجی) به میزان ۶۰ درصد بر ارتقای بهره‌وری سرمایه‌ی گروه صنعتی ایران خودرو مؤثر بوده است. به ترتیب عامل آزادی تجاری و سرمایه‌گذاری به میزان ۴۹ درصد و تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت به میزان ۳۳ درصد بر افزایش بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو، اثر مثبت و فزاینده داشته است.

گفتنی است که دو عامل دیگر یعنی «ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت» و «حجم و اندازه دولت»، اثرات منفی بر بهره‌وری گروه صنعتی ایران خودرو داشته است. در تبیین این مسئله، دیدگاه اقتصاددانان به شرح زیر قابل

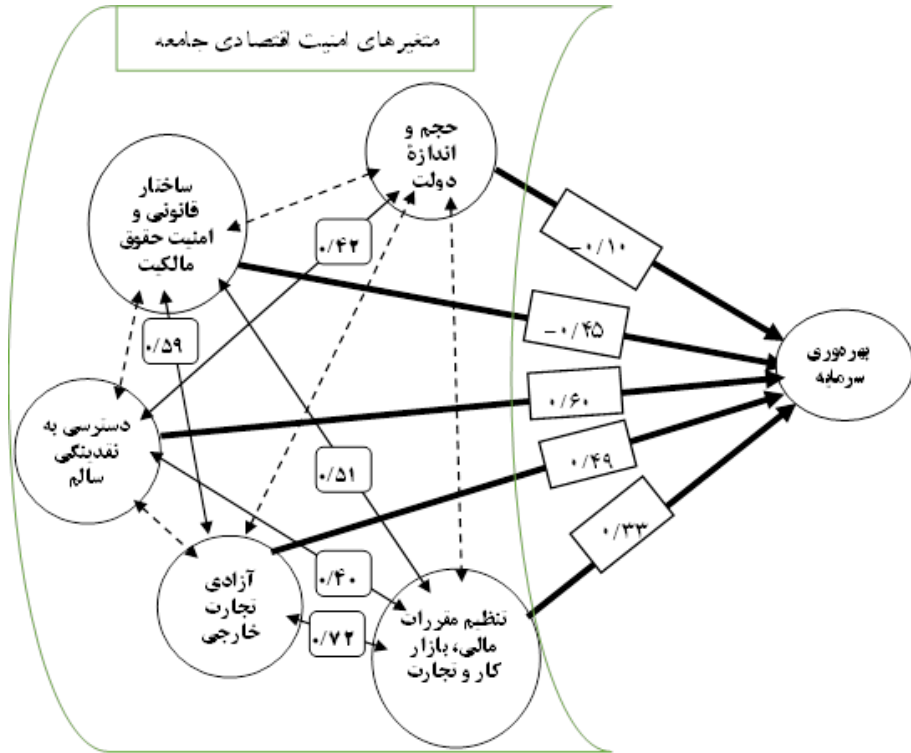
توجه است. به این دلیل مؤلفه ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، به میزان ۴۵ درصد بر بهره‌وری سرمایه، اثر منفی دارد، زیرا مؤلفه ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت صاحبان سرمایه بر کاهش بهره‌وری سرمایه ایران خودرو، محدودیت‌ها و موانع قانونی و ساختاری ایجاد می‌کند. این نتیجه با تحلیل‌های اقتصادی اقتصاددانان متأخر نظیر استیگلر (۱۹۷۱)، پوسنر (۱۹۷۵)، پلتزمن (۱۹۷۶)، وینستون (۱۹۹۳)، بلانچارد و گیاوازی (۲۰۰۳)، همخوانی دارد. آنان در فهم نظم و مقررات اقتصاد سیاسی متوجه شدند که مقررات‌زدایی به افزایش کارایی بازار و اقتصاد جامعه و درنهایت افزایش بهره‌وری اقتصادی منجر می‌شود. این رویکرد در دهه ۱۹۷۰ در میان اقتصاددانان توسعه یافته است. اما بعدها اقتصاددانان دیگر نظیر آسموگلو و دیگران^۱ (۲۰۰۶)، آقین و تریبی^۲ (۲۰۰۷) و استاچ و لوئیس^۳ (۲۰۰۹) متوجه شدند کارایی بازار و اقتصاد جامعه تحت‌تأثیر مقررات‌زدایی دولت‌ها بسته به سطح فناوری و کیفیت مؤسسات و نهادهای اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، اثرات متفاوتی دارند.

به‌طور کلی مقررات‌زدایی (حذف محدودیت‌ها و موانع قانونی) و نوآوری، به رقابت‌پذیری و کارایی بیشتر بازار کار و بهره‌وری سرمایه و تولید محصول منجر می‌شود (استانکو، ۲۰۱۰: ۴-۵). بنابراین افزایش بهره‌وری سرمایه گروه صنعتی ایران خودرو نیازمند انعطاف‌پذیری ساختار قانونی و حفظ حقوق مالکیت سرمایه و دارایی صاحبان سرمایه ایران خودرو است؛ بنابراین ضروری است برخی موانع قانونی و حقوقی مالکیت سرمایه خصوصی ایران خودرو نظیر خصوصی‌سازی ایران خودرو مرتفع شود.

۱- Acemoglu, Aghion and Zilibotti

۲- Aghion, Alesina and Trebbi

۳- Estache and Wren-Lewis



نمودار ۳. تحلیل مسیر اثر مؤلفه‌های امنیت اقتصادی جامعه بر بهره‌وری سرمایه

رابطه ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت با تنظیم مقررات مالی و تجارت در بازار سرمایه ایران به میزان ۵۱ درصد است و بخش عمده‌ای از سهام مالکیت سرمایه ایران خودرو در دست دولت است و متولی اصلی تنظیم مقررات مالی و تجاری گروه صنعتی ایران خودرو، دولت است. بنابراین تنظیم قوانین و مقررات مالی و بخش‌نامه‌های تعیین قیمت خودرو و قطعات آن در بازار خودرو، ضرورت رقابتی شدن شرکت ایران خودرو را می‌طلبد و این هدف از طریق اجرای کامل ماده ۴۴ قانون اساسی برای خصوصی‌سازی گروه صنعتی ایران خودرو شدنی است.

سیاست‌های متناقض و ناکامی دولت در تحقق خصوصی‌سازی ایران خودرو تا پایان سال ۱۴۰۰ به دلیل ۱. پُررنگ کردن نقش دولت از طریق مصوبه واگذاری ۸ درصدی سهام ایران خودرو به بانک‌ها و ناسازگاری این مداخله با

اصل ۴۴ قانون اساسی، ۲. تضاد و تناقض برنامه دولت یازدهم و دوازدهم با خصوصی‌سازی واقعی خودروسازی کشور، ۳. استمرار جایگاه ایران‌خودرو به‌عنوان یک شرکت نیمه‌دولتی و ۴. ناکامی سیاست دولت در لغو قیمت‌گذاری دستوری و ۴. موانع سرمایه‌گذاری خارجی به‌دلیل شرایط تحریم اقتصادی بین‌المللی، زمینه را برای تحقق خصوصی‌شدن ایران‌خودرو طی چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، ناهموار کرد. این عامل یعنی اختلال در ناکارآمدی دولت‌ها (هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) به بهره‌وری منفی سرمایه در گروه صنعتی ایران‌خودرو منجر شده است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم امنیت اقتصادی، «آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی» است که این عامل به میزان ۴۹ درصد بر بهره‌وری شرکت صنعتی ایران‌خودرو مؤثر بوده است. سرمایه‌گذاری خارجی فرانسه در شرکت ایران‌خودرو موجب افزایش بهره‌وری در دولت‌های هاشمی و خاتمی بوده و این موضوع در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، موجب کاهش بهره‌وری سرمایه شرکت ایران‌خودرو شده است.

هدایت ایران‌خودرو از طریق سهام توسط دست‌نمائی دولت (به تعبیر آدام اسمیت)، طرح دولت برای تبدیل قطعه‌سازها به خودروساز برای رفع انحصار بازار خودرو، انحصار دولت بر صنعت خودرو، دیوار تعرفه، مشاغل انتصابی در لایه‌های مدیریتی شرکت ایران‌خودرو، عدم تعامل با خودروسازان بزرگ جهان به دلایل تحریم‌های اقتصادی، وابستگی شرکت ایران‌خودرو به دولت، قطع قرارداد با صنعت خودرو رنوی فرانسه، از دست دادن ارتباط با بازارهای جهانی خودرو و قیمت‌گذاری دستوری دولت، بیانگر سرمایه‌داری انحصاری دولت در بازار خودرو است و این موضوع با رقابتی‌شدن و خصوصی‌سازی ایران‌خودرو ناسازگار است. در نتیجه ناکارآمدی دولت در خصوصی‌سازی صنعت خودرو ایران، موجب ناامنی اقتصادی بازار خودرو شده و ناامنی اقتصادی بازار خودرو نیز موجب کاهش بهره‌وری سرمایه ایران‌خودرو شده است.

نتیجه‌گیری

برای درک امنیت اقتصادی جامعه، درک گفتمان سلبی ناامنی و بحران‌های اقتصادی ضروری است. امنیت اقتصادی و ناامنی اقتصادی دو روی یک سکه است که درک یکی بدون دیگری، شدنی نیست. در میان انواع ناامنی اقتصادی، ناامنی اقتصادی ساختاری، مهمترین آنهاست. ناامنی ساختاری اقتصادی به تکرار بحران‌های اقتصادی در ادوار مختلف تاریخی اقتصاد جامعه اشاره دارد که کاهش بهره‌وری اقتصاد ملی و نوسانات شدید بهره‌وری سرمایه بازاری به سه شکل صورت‌بندی اقتصادی تورم، رکود و رکود تورمی در بازه‌های زمانی متوالی در اقتصاد جامعه رخ می‌دهد.

جامعه‌شناسان اقتصادی نظیر پارسونز، پولانتزاس، کاستلز، اوفه و بوایر معتقدند که ناامنی اقتصادی و بحران‌های اقتصادی در تناقض ساختاری یا ذاتی نظام سرمایه‌داری ریشه دارد. بنابراین هنگامی که دولت برای حل تناقضات ساختاری بازار اقتصاد با بحران مالی و اقتصادی مواجه می‌شود، برای حل بحران‌های اقتصادی و کاهش تناقضات ساختاری نظام اقتصادی جامعه، به‌ویژه در شرایط بحران‌های اقتصادی، نیازمند رویکرد ترفیع انطباقی (به تعبیر پارسونز) تعامل هم‌افزا یا تکامل تعاملی (به تعبیر اقتصاددانان) با نهادهای امنیتی به‌ویژه نیروی انتظامی است تا برای برقراری امنیت اقتصادی جامعه، اقدامات انتظامی مقابله با ناامنی اقتصادی را در تعامل با دولت به شکل زیر اجرایی کند.

راه‌کارهای نیروی انتظامی در مقابله با ناامنی اقتصادی جامعه شامل تعامل هم‌افزا و تکامل تعاملی با نهادهای نظارتی و قانونی و تجاری ذی‌ربط می‌باشد. مقابله پلیس اقتصادی با احتکار و قاچاق کالاها و شرکت‌های تقلبی واردات و صادرات قطعات خودرو، افزایش بی‌رویه قیمت خودرو، شکاف قیمت بازار خودرو و کارخانه، مقابله با ناامنی بازار ارز و تسهیلات بانکی برای تأمین نقدینگی اقتصاد سالم، یکپارچگی و تکامل هم‌فزای نیروی انتظامی با نهادهای متولی تأمین امنیت اقتصادی شامل دستگاه‌های قضایی، کمیسیون‌های

تخصصی صنایع مجلس، شورای رقابت و مدیران صنایع، برای تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت، مقابله با تحصن‌ها و اعتصابات کارگران و بیکاران و غیره، زمینه را برای پیشگیری از تشدید بحران‌های ساختاری اقتصاد جامعه فراهم می‌کند.

یافته‌های کلی در این قسمت، متناسب با میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های تأمین امنیت اقتصادی، اولویت‌بندی می‌شود. نوسانات بهره‌وری سرمایه در نمونه آماری مورد مطالعه و روند نزولی آن طی سه دهه اخیر حاکی از یک ناامنی اقتصادی از نوع ساختاری (اقتصاد ناسالم) است. نتایج یافته‌های تحلیلی درباره تأثیر مؤلفه‌های امنیت اقتصادی (۱. حجم و اندازه دولت (۱۰ درصد)، ۲. ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (۴۵ درصد)، ۳. دسترسی به نقدینگی سالم (۶۰ درصد)، ۴. آزادی تجارت خارجی (۴۹ درصد) و ۵. تنظیم مقررات مالی، بازار کار و تجارت (۳۳ درصد) و در مجموع امنیت اقتصادی به میزان ۷۸ درصد بر بهره‌وری سرمایه اقتصادی صنعت مورد مطالعه مؤثر است.

از آنجا که تأمین امنیت اقتصادی به عهده نظام سیاسی کشورهاست، بنابراین زمانی که اقتصاد جامعه در شرایط ناامنی اقتصادی دچار بحران مالی و اقتصادی می‌شود، تأمین امنیت اقتصادی از سوی نهادهای متولی امر، به‌ویژه نیروی انتظامی ضرورت می‌یابد. از این‌رو، راه‌کارهای انتظامی تأمین امنیت اقتصادی جامعه متناسب با هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

مهمترین مؤلفه تأمین امنیت اقتصادی اثرگذار بر بهره‌وری سرمایه بازار اقتصاد، دسترسی به نقدینگی سالم بوده و این متغیر دارای چهار شاخص: رشد نقدینگی، آزادی مالکیت ارزهای خارجی، نرخ تورم فعلی و تغییر تورم در پنج سال اخیر است و نیروی انتظامی می‌تواند برای حفظ امنیت اقتصادی جامعه، اقدامات زیر را نهادینه کند.

کمیاب شدن نقدینگی خودروسازان و افزایش چندبرابری قیمت مواد اولیه، در صورت هر گونه خلل در واگذاری نقدینگی به خودروسازان (عدم صدور

مجوز پیش‌فروش یا ایجاد محدودیت توسط سازمان استاندارد) در شرایط نامنی اقتصاد جامعه و افزایش تورم، موجب می‌شود تا خودروسازان نتوانند مطالبات شرکت‌های تابعه و قطعه‌سازان را پرداخت کرده و در صورت ادامه این روند ناامنی بازار خودرو، افزون‌بر ایجاد وقفه در تهیه مواد اولیه و تداوم تولید، مطالبات حقوقی کارگران به تأخیر افتاد و این مسئله موجب اعتصاب، اعتراض، تجمع و توقف خطوط تولید شود. نمونه‌هایی از این اعتصابات به شرح است:

- اعتصابات کارگران ایران خودرو تبریز (حدود ۵۰۰ کارگر) در ۱۵ آبان ۱۴۰۰

- همکاری همفزای نیروی انتظامی با وزارت صمت در تأمین مالی و تسریع در دسترسی قطعه‌سازان به مواد اولیه در شرایط بحران‌های اقتصادی و مالی جامعه؛

- حمایت بانک مرکزی در تأمین ارز موردنیاز بخش تولید داخلی به‌ویژه برای قطعه‌سازان؛

- تأمین مالی از طریق عرضه سهام شرکت‌های داخلی در بازار بورس و سرمایه.

مؤلفه دوم تأمین امنیت اقتصادی اثرگذار در بهره‌وری سرمایه بازار اقتصاد، شاخص‌های آزادی تجارت خارجی بوده و این متغیر دارای پنج شاخص: ۱. مالیات و تعرفه‌های گمرکی، ۲. موانع تجاری قانونی، ۳. تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، ۴. کنترل بازار سرمایه و ۵. حجم بخش تجارت می‌باشد. نیروی انتظامی به‌عنوان متولی برقراری نظام امنیت اقتصادی جامعه، اقدامات انتظامی - بین‌المللی به صورت تعاملی هم‌افزا یا پیگیری امور به شرح زیر متصور است.

- پیگیری برای تسریع در تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی به‌منظور ترخیص سریع کالاهای موجود در گمرک؛

- رفع موانع تجاری قانونی برای ورود خودروهای موردنیاز بازار و قطعاتی که تولید داخلی مشابه ندارند؛

- اصلاح مبانی قیمت‌گذاری خودرو به نحوی که مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده مصوب خودرو با قیمت بازار آزاد توسط خودروسازها به خزانه دولت واریز شود یا این اختلاف قیمت در شورای رقابت مرتفع شود.

- محاسبه قیمت مواد اولیه داخلی به قیمت بازار داخل و در اختیار قرار گرفتن قطعه‌سازان (این در حالی است که برخی مواد اولیه داخلی از قبیل آهن، فولاد، مس، پتروشیمی و ... با قیمت جهانی محاسبه می‌شود).

سومین مؤلفه تأمین امنیت اقتصادی اثرگذار در بهره‌وری سرمایه بازار اقتصاد، شاخص‌های ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت بوده و این متغیر دارای چهار شاخص ۱. استقلال از دستگاه قضایی، ۲. حمایت از مالکیت معنوی، ۳. دخالت نظامی و ۴. یکپارچگی دستگاه قضایی است و نیروی انتظامی می‌تواند برای حفظ امنیت اقتصادی جامعه، اقدامات انتظامی - قضایی را در تعامل با دستگاه قضایی و دولت به شرح ذیل اجرا کند.

- وضع قوانین سختگیرانه سلبی برای جلوگیری از فعالیت و ورود دوباره محترکان و دلالان به بازار خودرو؛

- واگذاری هر چه سریع‌تر خودروهای احتکاری مکشوفه به کمیته‌ای متشکل از قوه قضائیه، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی و بازرسی کل کشور با همکاری نیروی انتظامی به منظور عرضه به‌موقع خودروها به مصرف‌کنندگان واقعی طی فرایندی شفاف و کارشناسی‌شده در شرایط ناامنی اقتصادی جامعه؛

- نظارت دقیق بر عرضه روزانه و عدم دپوی تولیدات به بهانه خودروهای ناقص (کمبود قطعات ضروری)؛

- تعامل نیروی انتظامی با نهادهای نظارتی بر عرضه خودروها.

چهارمین مؤلفه تأمین امنیت اقتصادی اثرگذار در بهره‌وری سرمایه بازار اقتصاد، متغیر تنظیم قوانین مالی، بازار کار و تجارت بوده است. یکی از مهمترین شاخص‌های این متغیر، مسئله تنظیم قوانین مربوط به حقوق و دستمزد و تأمین امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری در شرایط ناامنی اقتصادی جامعه است. برای مقابله با ناامنی شغلی کارگران و ناامنی سرمایه سرمایه‌گذاران، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- پیگیری ناجا از حقوق کارگران و پیمانکاران قراردادی با گروه صنعتی ایران خودرو و قطعه‌سازان وابسته آن؛

اعتصاب و انتقاد کارگران قراردادی و پیمانکاری ایران خودرو خراسان در تاریخ ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۰ از گسترش تبعیض در اختلاف دستمزد، پاداش و مزایای شغلی میان خود با سایر واحدهای مجموعه ایران خودرو و اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل و سایر مزایای شغلی همانند پرداخت حداقلی اضافه‌کاری‌ها و ... در حداقل‌های قانونی، نمونه‌ای از محدودیت در قوانین دستمزد است. این مسائل نمونه‌ای از قوانین مالی و بازار نیروی کار و شاغلان است که باید دولت در تعامل با نیروی انتظامی و نهادهای ذی‌ربط در تنظیم قوانین مالی، بازار کار و تجارت تعامل هم‌فرا داشته باشند.

- تعامل هم‌افزایی نیروی انتظامی با شورای رقابت در اصلاح مبانی قیمت‌گذاری خودرو در شرایط ویژه ناامنی بازار خودرو؛

- پیگیری مستمر نیروی انتظامی از شورای رقابت در قیمت‌گذاری سریع هم‌زمان با در نظر گرفتن انصاف برای خودروسازان و مشتریان.

پنجمین مؤلفه تأمین امنیت اقتصادی اثرگذار در بهره‌وری سرمایه بازار اقتصاد، متغیر حجم و اندازه دولت است. در ارتباط با این متغیر، نیروی انتظامی می‌تواند برای حفظ امنیت اقتصادی جامعه، اقدامات پلیس خصوصی را در جامعه تقویت کند. رویکرد و اقدامات پلیس خصوصی، مکمل تعامل اثربخش و هم‌افزا با دولت برای کاهش حجم و اندازه دولت در بازار اقتصاد و هم‌تقویت امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد شرایط بازار رقابتی و تقویت خصوصی‌سازی در

ثبات کلان اقتصاد جامعه می‌باشد. این اقدامات پلیس خصوصی شامل ۱. حفاظت و مراقبت از مجتمع‌های تجاری و صنعتی خودرو، ۲. حفاظت و مراقبت از پروژه‌های عمرانی و انبارهای نگهداری خودروها، ۳. حفاظت و مراقبت از اماکن اداری، مؤسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه و بانک‌های خصوصی و دولتی، ۴. همکاری با صنعت خودرو در کشف خودروهای مسروقه، ۵. مشاوره به کارفرمایان و صاحبان مشاغل در صنعت خودرو و قطعات آن، ۶. همکاری با صنعت خودرو در کشف شرکت‌های تقلبی ساخت قطعات و واردات قطعات خودرو و ۷. مشارکت و همکاری با مدیران صنعت خودرو در کشف جرایم گروه‌های سرقت خودرو و نظایر آن می‌باشد.

سپاسگزاری

نگارندگان مقاله از کسانی که در جمع‌آوری داده‌های واقعی جامعه مورد مطالعه، همکاری داشتند و همچنین از عوامل اجرایی و علمی پژوهش‌نامه که با دیدگاه‌های ارزشمند خود بر غنای این مقاله افزودند، سپاسگزاری می‌کنند.

تعارض منافع

این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد و هیچگونه تعارض منافع حقیقی و حقوقی ندارد.

- بهرامی، یوسف؛ خوش منش، مهتاب. (۱۳۹۵). سنجش رابطه بین توسعه اشتغال و ارتقای امنیت در مناطق آزاد تجاری-صنعتی (مورد مطالعه: منطقه آزاد تجاری صنعتی بندر انزلی). پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. ش ۹ (۲ (پیاپی ۳۴)). صص ۷۳-۹۵. بازیابی از:
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=275737>.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۷). بهره‌وری در اقتصاد ایران (۱۳۹۵-۱۳۷۵). تهیه و تنظیم: اداره حساب‌های اقتصادی.
- بشیری، مهدی؛ شرقی، علیرضا؛ جلیلی، مجید؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). «طراحی و تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بهره‌وری خدمات سازمان نیروی انتظامی». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. سال هفتم. ش ۲۸.
- http://osra.jrl.police.ir/article_9826_6ed150c5e86139310f756e10c2ee9207.pdf.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۱). تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم. جلد ۱. تهران: نشر نی.
- بوزان، باری؛ آلی و یور؛ پاپ دو ویلد. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهرامی، تورج؛ غنی‌زاده، سامان. (۱۳۹۸). تبیین جایگاه و نقش پلیس امنیت اقتصادی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه علمی کارگاه. دوره ۱۳. ش ۴۸. صص ۴۳-۵۸.
- http://det.jrl.police.ir/article_92988_a7747759eba993927073a17c7b4dcf81.pdf
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- چنگ، هاجون. (۱۳۹۳). ۲۳ نکته مکتوم سرمایه‌داری. ترجمه میرحمود نبوی و مهرداد شهبابی. تهران: نشر کتاب آمه.
- حسن‌زاده، علی؛ کیانوند، مهران. (۱۳۸۹). بحران مالی جهانی، بازار جهانی نفت و استراتژیک اوپک. تازه‌های اقتصاد. دوره جدید. سال هفتم. ش ۱۲۶.

- دواس، دیوید. (۱۳۹۶). طرح تحقیق در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر آگه.
- رشیدی، مصطفی؛ ردادی، هلی؛ مقدم‌فر، سعیدرضا. (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش امنیت اقتصادی کشور. مطالعات راهبردی بسیج. ش ۱۸ (۶۸). صص ۸۹-۶۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=360518>.
- رنجبر، محسن. (۱۳۹۰). افول، رکود، بحران و اما باز رونق. ماهنامه علوم انسانی. ش ۱۵.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). تغییرات اجتماعی. ترجمه منوچهر وثوقی. تهران: نشر نی.
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۹۳). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار.
- سازمان ملی بهره‌وری ایران. (۱۳۹۷). گزارش شاخص‌های بهره‌وری کشور. تهران: نشر روابط عمومی سازمان ملی بهره‌وری ایران.
- سوندرز، پیتر. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی و مسئله شهری. ترجمه محمود شارع‌پور. تهران: نشر تیسرا.
- قدیری‌اصل، باقر. (۱۳۸۶). سیر اندیشه اقتصادی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کندری، امیر؛ صادقی، سیدحسین. (۱۴۰۰). مبارزه با قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و اجتماعی جامعه. فصلنامه علمی کارگاه. دوره ۱۵. ش ۵۴.
10.22034/det.2021.208490.1177.
- نقدی، یزدان؛ کاغذیان، سهیلا؛ لشکری‌زاده، مریم. (۱۳۹۹). مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر امنیت اجتماعی در ایران. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. سال ۱۳. ش ۳ (۵۱).
10.22034/osra.2020.94386.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانت، دایانا. (۱۳۹۵). نظریه‌های اقتصادی توسعه، تحلیلی از پارادایم‌های رقیب. ترجمه غلامرضا ارمکی. تهران: نشر نی.
- Aglietta, Michel. (1979). Theory of Capitalist Regulation: the US Experience, London: New Left Books. ISBN: 9781859842683.

- Boyer, Robert. (1990). the Regulation School: A Critical Introduction, New York: Columbia University Press, p. 17, ISBN: 9780231065481.
- Boyer, Robert. (1991). The Transformations of Modern Capitalism: By the Light of the "Regulation" Approach and Other Political Economic Theories, Working Paper No. 9134, CEPREMAP, Paris, November Retrieved:
<http://www.cepremap.fr>.
- Boyer, Robert. (2000). the Political in the Era of Globalization and Finance: Focus on Some Regulation School Research, International Journal of Urban and Regional Research, Volume 24.2.
doi.org/10.1111/1468-2427.00250.
- Boyer, Robert. (2002). “Introduction”, in Régulation Theory: The State of the Art, Boyer, R. and Y. Saillard (Eds), London: Routledge, p. 1-10.
DOI: 10.2753/RSH1061-198320013.
- Boyer, Robert. (2007). «Capitalism Strikes Back. Why and What Consequences for Social Sciences? », Revue de la régulation, Capitalisme, Institutions, Pouvoirs, n°1, URL:
doi.org/10.4000/regulation.2142.
- Boyer, Robert, Saillard, Yves. (2002). Regulation Theory. The State of the Art, Routledge, London & New-York.
doi.org/10.4324/9780203996775.
- Buzan, Barry & Ole Waever, Jaap de Wilde. (1998). Security: A New Framework for Analysis, Political Science, and Lynne Rienner Publishers. ISBN: 1555877842, 9781555877842.
- Buzan, Barry and Ole waver. (1997). "slippery Contradictory? Sociologically untenable? The Copenhagen School replies". Review of International Studies, Vol. 23, and No. 2 (Apr., 1997), pp. 241-250,
<https://www.jstor.org/stable/20097477>.

- Buonamano, Roberto. (2014). *The Legal Subject in Althusser's Political Theory, Law Critique*, Faculty of Law, University of Technology Sydney, Building 5 cnr Quay St & Ultimo Rd, Haymarket, Sydney, NSW, Australia, Springer.
DOI 10.1007/s10978-014-9139-3.
- Burak, Pavlo; Olena Khadzhynova; Viktoriya Gonchar; Oleksandr Kalinin. (2019). *Mechanisms of Investment Marketing Support of the State Economic Security System*, Mykolas Romeris University, (online, *Intellectual Economics*, No. 13(2). ISSN 1822-8038.
- Burkaltseva, Diana Dmitrievna; Lyudmila Mikhaylovna Borsch; Oleg Georgiyevich Blazhevich, Evgenia Evgenyevna Frolova; Ilya Valentinovich Labonin. (2017). *Financial and economic security of business as a primary element in the economic system*, *Revista Espacios*. ISSN 0798 1015, Vol. 38.
- Castells, Manuel. (1977). *the Urban Question. A Marxist Approach* (Alan Sheridan, translator). London, Edward Arnold (Original publication in French, 1972.), ISBN 978-0-262-03063-2.
- Castells, Manuel. (1978). *City, Class and Power*. London; New York, MacMillan; St. Martins Press.
doi/abs/10.1177/144078338101700221.
- Dieleman, M., & Sachs, W. M. (2008). *Coevolution of institutions and corporations in emerging economies: How the Salim group morphed into an institution of Suharto's crony regime*. *Journal of Management Studies*, 45(7), 1274-1300.
<https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.2008.00793.x>
- Drobyazko S.I., Maria Dos-Santos, and John C. Crotts, (2016). *Economic security: the theory, methodology, practices: Collective monograph*. Pegasus Publishing, Lisbon, Portugal. ISBN 978-617-7214-23-5.
- Fosberg, R. (2012). "Capital Structure and Financial Crises", working paper, William Paterson University, Retrieved:

<https://jiems.khu.ac.ir>.

- Gough, Ian. (2000). the Fiscal Crisis of the State: The Contribution of James O'Connor. In: Global Capital, Human Needs and Social Policies. Palgrave Macmillan, London.

https://doi.org/10.1057/9780230289093_3.

- Graham, Ian. (2010). The Global Economic Crisis, Sectoral Coverage, and Automotive Industry: Trends and reflections, International Labor Office Geneva, Switzerland, International Labor Organization. ISBN: 978-92-2-124104-1.

- Grinin, Leonid, Korotayev, Andrey, Tausch, Arno. (2016). Economic Cycles, Crises, and the Global Periphery, International Perspectives on Social Policy, Administration, and Practice, Vorschaucover, ISBN 978-3-319-41262-7.

- Gu, Wulong and Amélie Lafrance. (2008). Productivity Growth in Canadian and U.S. Regulated Industries, Micro-economic Analysis Division, Published by authority of the Minister responsible for Statistics Canada, Statistics Canada – Catalogue no. 15-206-X, no. 20. ISBN 978-1-100-11124-7.

- Hacker, Jacob S., Gregory A. Huber, Philipp Rehm, Mark Schlesinger, Rob Valletta. (2010). Economic Security at Risk, Findings from the Economic Security Index, Rockefeller Foundation. Retrieved:

<https://community-wealth.org>.

- Ianioglo, A., & Polajeva, T. (2016). Origin and Definition of the Category of Economic Security of Enterprise. Business and Management.. Lithuania: VGTU Press. 9th International Scientific Conference “Business and Management 2016”,

<http://www.bm.vgtu.lt>, <http://dx.doi.org/10.3846/bm.2016.46>.

- Jessop, Bob. (1990). “Regulation theories in retrospect and prospect”, Economy and Society, vol. 19 no. 2, p. 153-216.

DOI: 10.1080/03085149000000006.

- Jessop, Bob. (1995). the Regulation Approach, Governance, and Post-Fordism: Alternative Perspectives on Economic and Political Change'? Article in Economy and Society.
DOI: 10.1080/03085149500000013.
- Jessop, Bob. (1996). 'Post-Fordism and the State'. In Comparative Welfare Systems, edited by Bent Greve, 165-184. Basingstoke: Macmillan.
DOI: 10.1007/978-1-349-24791-2_10.
- Jessop, Bob; Ngai-Ling Sum. (2006). Beyond the Regulation Approach: Putting Capitalist Economies in Their Place, Edward Elgar Publishing.
DOI: 1845428900, 9781845428907.
- Kaiser Family Foundation. (2009). "Kaiser Health Tracking Poll:" Publication No. 7943, (Menlo Park, CA: Henry J. Kaiser Family Foundation. Retrieved:
<https://www.allhealthpolicy.org> ›.
- Kellison, Matt. (2004). the Mckinsey Institute Productivity Studies: Lessons for Canada Centre for the Study of Living Standards. 2004-10. Retrieved:
<https://www.researchgate.net>.
- Korotayev, Andrey V., & Tsirel, Sergey V. (2010). A Spectral Analysis of World GDP Dynamics: Kondratieff Waves, Kuznets Swings, Juglar and Kitchin Cycles in Global Economic Development, and the 2008–2009 Economic Crisis. Structure and Dynamics. Vol.4. No. 1. P.3-57.
doi.org/10.5070/SD941003306.
- Lipietz, Alain. (1987). Mirages and Miracles: The Crises of Global Fordism. London: Verso, New Left Books .Retrieved:
<http://lipietz.net>.
- Lipietz, Alain & Carole Biewener. (1988). Building an Alternative Movement in France, Rethinking Marxism, Translated by Carole Biewener, Routledge, Volume 1, Number 3, 80-99,
DOI: 10.1080/08935698808657818.

- Lipietz, Alain. (1988). Reflections on a Tale: The Marxist Foundations of the Concepts of Regulation and Accumulation, *Studies in Political Economy*, 26:1, 7-36.
DOI: 10.1080/19187033.1988.11675540.
- Lipietz, Alain. (1998). Rebel sons: the Regulation school, entretien avec Jane Jenson, *French Politics and Society*, vol.5 n4, Harvard University. Retrieved:
<http://citeseerx.ist.psu.edu>.
- Lipietz, Alain. (1992b). the regulation approach and capitalist crisis: an alternative compromise for the 1990s, In: *Cities and Regions in the New Europe: the Global-Local Interplay and Spatial Development Strategies*.
doi/abs/10.1177/030981680307900110.
- Lipietz, Alain. (1992a). *Towards a New Economic Order: Post Fordism, Ecology and Democracy*. Polity Press, Cambridge.
ISBN: 978-0-745-60866-2.
- Lipietz, Alain. (2013). Fears and hopes: The crisis of the liberal productivist model and its green alternative, *Capital & Class*,
<http://cnc.sagepub.com>
DOI: 10.1177/0309816812474878.
- Miller, John, A. (1986). The Fiscal Crisis of the State Reconsidered: Two Views of the State and the Accumulation of Capital in the Postwar Economy, *Review of Radical Political Economics*, Vol. 18 (1&2): 236- 260.
doi/10.1515/9781400862047.417.
- Ocampo, José Antonio. (2001). Raúl Prebisch and the development agenda at the dawn of the twenty-first century, *CEPAL review*, Volume 2001, Issue 75,
DOI:10.18356/80eee999-en.
- O'Connor, James. (2001). Introduction to 2001 Edition of *Fiscal Crisis of the State*, *Capitalism Nature Socialism*, 12:1, 99-114,
<http://dx.doi.org/10.1080/104557501101244857>.

- Pavlínek, Peter. (2015). The impact of the 2008-2009 crisis on the automotive industry: Global trends and firm-level effects in Central Europe, European Urban and Regional Studies Reprints and permission: eur.sagepub.com, DOI: 10.1177/0969776412460534.
- Peugeot, Christian. (2019). the French Automotive Industry. Analysis & Statistics, comité des constructeurs François automobiles, PSA Group, Renault Group, Renault Trucks, Retrieved: www.ccfa.fr.
- Rodrigues, S. B., & Child, J. (2003). Co-evolution in an institutionalized environment. Journal of Management Studies, 40(8), 2137-2162.
<https://doi.org/10.1046/j.1467-6486.2003.00415.x>
- Stankov, Petar. (2010). Deregulation, Economic Growth and Growth Acceleration, Charles University, Center for Economic Research and Graduate Education, Academy of Sciences of the Czech Republic Economics Institute.
ISBN 978-80-7343-223-2.
- Sturgeon, Timothy J. & Johannes Van Biesebroeck. (2010). Effects of the Crisis on the Automotive Industry in Developing Countries, A Global Value Chain Perspective, Policy Research Working Paper, The World Bank June. URI:
<http://hdl.handle.net/10986/3815> .
- Szymanski, Al. (1974). Review Essay: The Fiscal Crisis of The State And The Unstable Economy, Critical Sociology, DOI: 10.1177/089692057400400414.
- Tymoigne, Éric. (2009a). “Securitization, Deregulation, Economic Stability, and Financial Crisis, Part II, Deregulation, the Financial Crisis, and Policy Implications.” The Levy Economics Institute of Bard College California State University, Fresno. URI:
<http://hdl.handle.net/10419/57019>.
- Tymoigne, Éric. (2009b). “A Critical Assessment of Seven Reports on Financial Reform: A Minskian Perspective.”



Forthcoming. Annandale-on-Hudson, NY: The Levy Economics
Institute of Bard College, Retrieved:
<https://www.levyinstitute.org>.